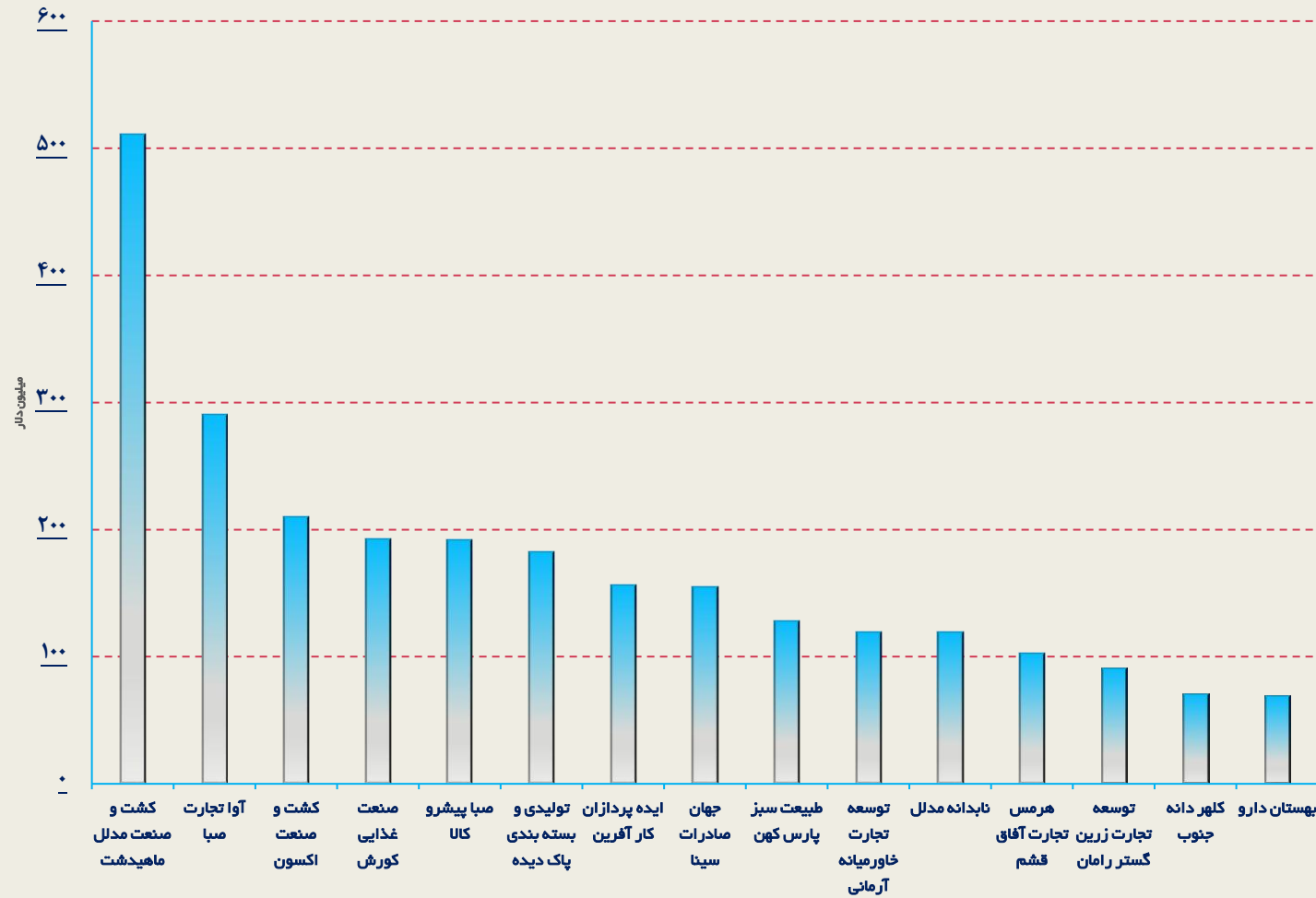


نقشه ۳۶۰ درجه صنعت **دارویی** ایران در نیمه نخست ۱۴۰۴ :

کارایی، تمرکز و ساختار ارزی

دریافت کنندگان ارز - شش ماهه نخست ۱۴۰۴



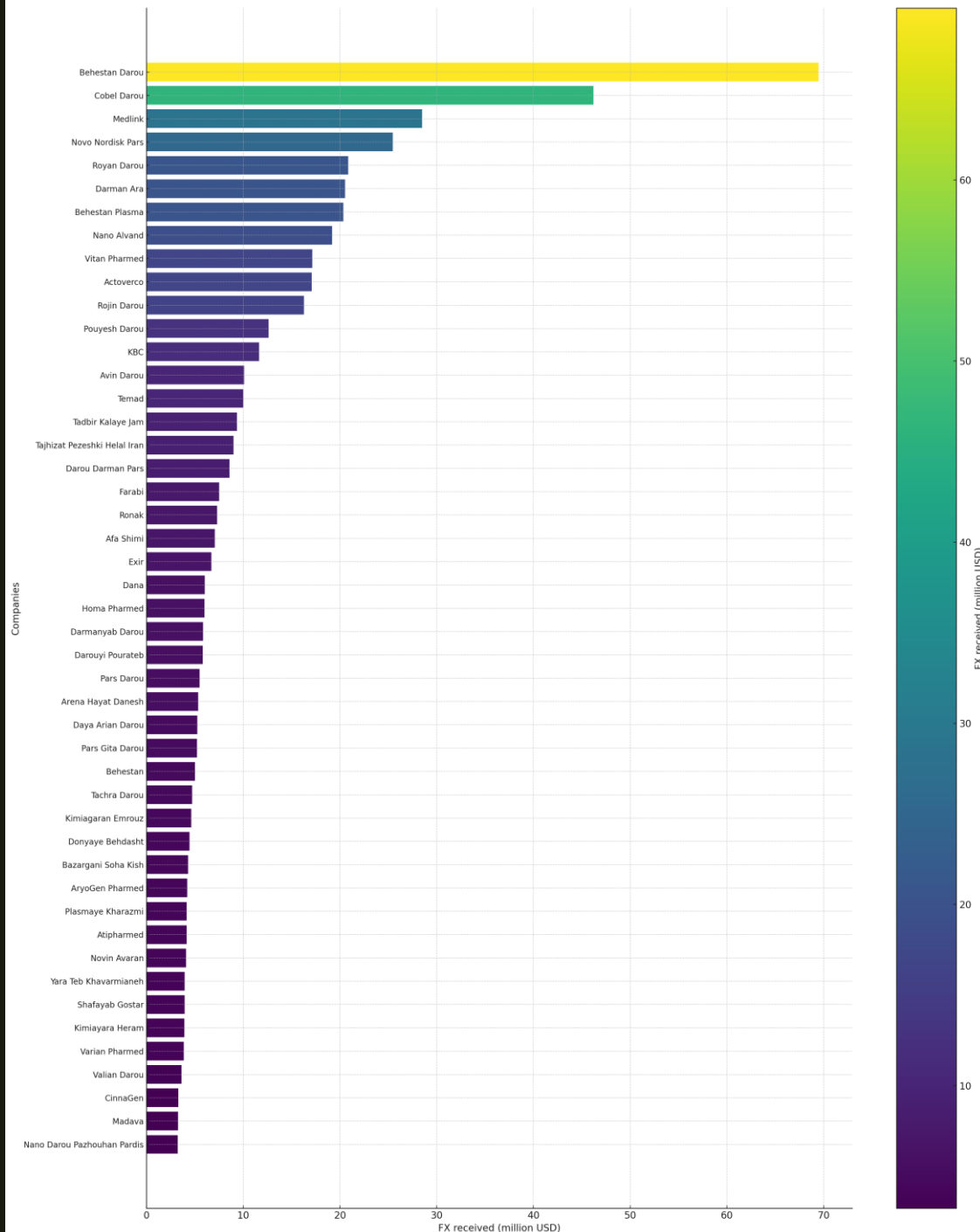
در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۴، مجموعاً حدود ۵,۹ میلیارد دلار ارز از سوی بانک مرکزی میان شرکت‌های متقاضی در بخش‌های مختلف اقتصادی توزیع شده است. بررسی فهرست دریافت‌کنندگان نشان می‌دهد که بخش عمده این منابع ارزی به صنایع کشاورزی، غذایی و بازرگانی کالاهای اساسی اختصاص یافته و سهم صنعت دارو، هرچند قابل‌توجه، در مقایسه با این گروه‌ها کمتر اما از نظر کارکرد اقتصادی حیاتی است.

در صدر جدول کل متقاضیان، نام‌هایی دیده می‌شود مانند کشت و صنعت مدلل ماهیدشت با بیش از نیم میلیارد دلار، آوا تجارت مپا و کشت و صنعت اکسون با ارقام نزدیک به ۳۰۰ و ۲۱۰ میلیون دلار و پس از آن‌ها، شرکت‌هایی از گروه صنایع غذایی و تأمین کالا مانند کورش، مپا پیشرو، پاک‌دیده و ایده‌پردازان کارآفرین. این ترکیب نشان می‌دهد که بخش کشاورزی و غذایی بیشترین سهم را از منابع ارزی کشور دریافت کرده‌اند و منطقی است، چرا که واردات نهاده‌های دامی، روغن خوراکی و غلات معمولاً بار اصلی تخصیص ارز را در این مقاطع به خود اختصاص می‌دهد.

اما در میان این فهرست عمدتاً غیردارویی، اولین نامی که به حوزه سلامت تعلق دارد، بهستان دارو است؛ شرکتی که با دریافت حدود ۷۰ میلیون دلار، در رتبه پانزدهم کل کشور و رتبه نخست در میان شرکت‌های دارویی قرار گرفته است. این جایگاه نشان می‌دهد که صنعت دارویی ایران در کنار صنایع غذایی و کشاورزی، به‌عنوان یکی از سه محور اصلی تخصیص ارز حیاتی تلقی شده است با این تفاوت که کارکرد ارز در دارو، نه برای تأمین کالای مصرفی، بلکه برای تضمین سلامت و تداوم تولید داروهای حیاتی است.

از این منظر، هرچند سهم عددی داروسازان از کل ۵,۹ میلیارد دلار کمتر از ۲ درصد است، اما اهمیت کیفی آن بسیار فراتر از رقم ظاهری است؛ چرا که این بخش مستقیماً به امنیت درمانی کشور گره خورده است. به‌بیان دیگر، اگر شرکت‌هایی چون «مدلل ماهیدشت» و «کورش» ستون‌های امنیت غذایی کشورند، دارویی‌ها ستون‌های امنیت دارویی و سلامت ملی هستند و داده‌های تخصیص ارز در نیمه نخست سال به‌خوبی این تقسیم نقش‌ها را میان «نان و دارو» به تصویر می‌کشد.

FX Allocation by Company — First Half of 1404 (Top 47)



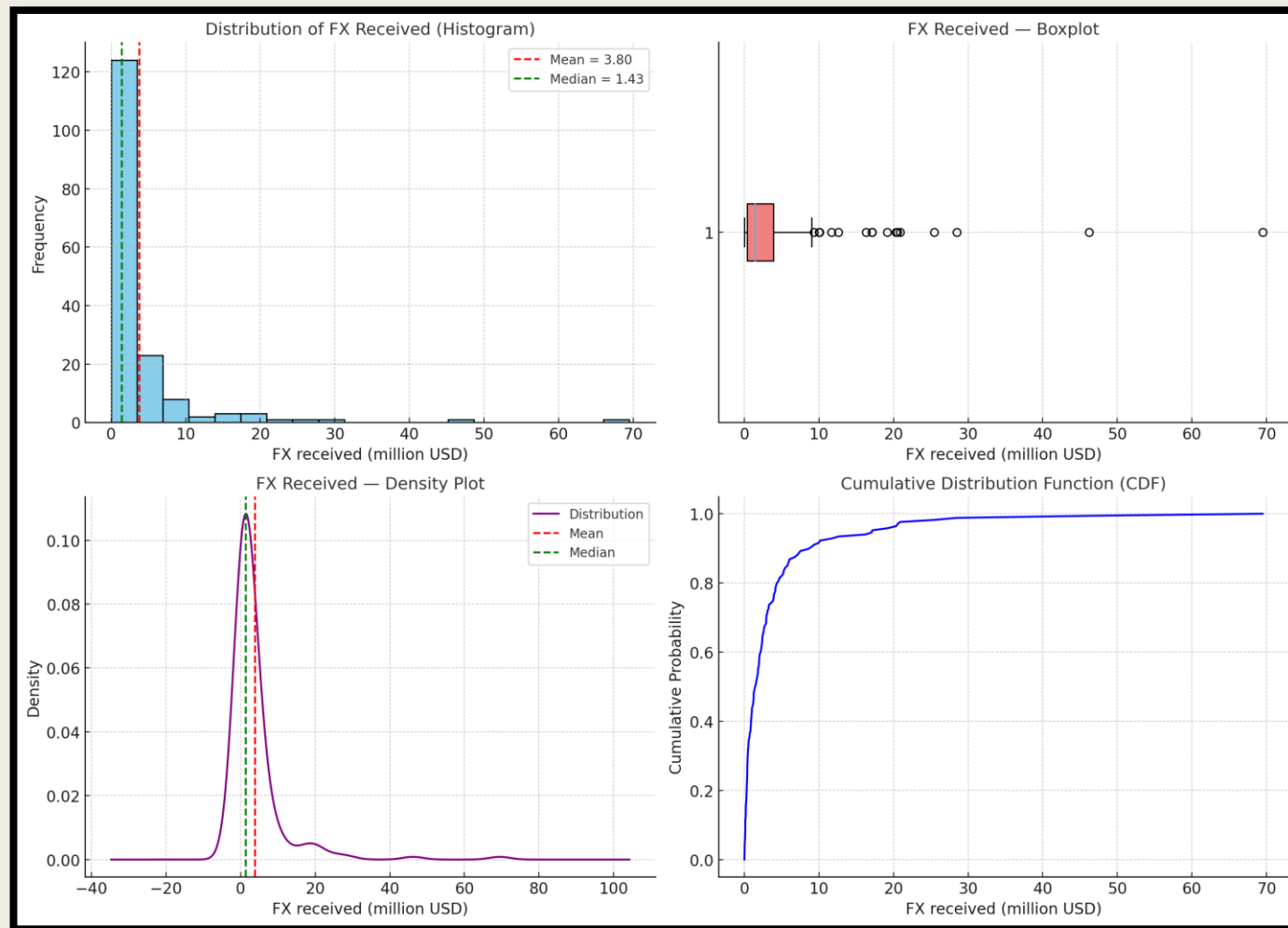
طبق اعلام بانک مرکزی، در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۴ در مجموع ۵٫۹ میلیارد دلار ارز توزیع شده است. از این رقم، حدود ۶۳۹ میلیون دلار (یعنی نزدیک به ۱۱٪) به صنعت دارو اختصاص یافته است. در میان دریافت کنندگان دارویی، ۴۷ شرکت نخست بیش از ۵۱۴ میلیون دلار دریافت کرده اند که برابر با حدود ۸۰٪ از کل ارز تخصیص یافته به صنعت دارو است.

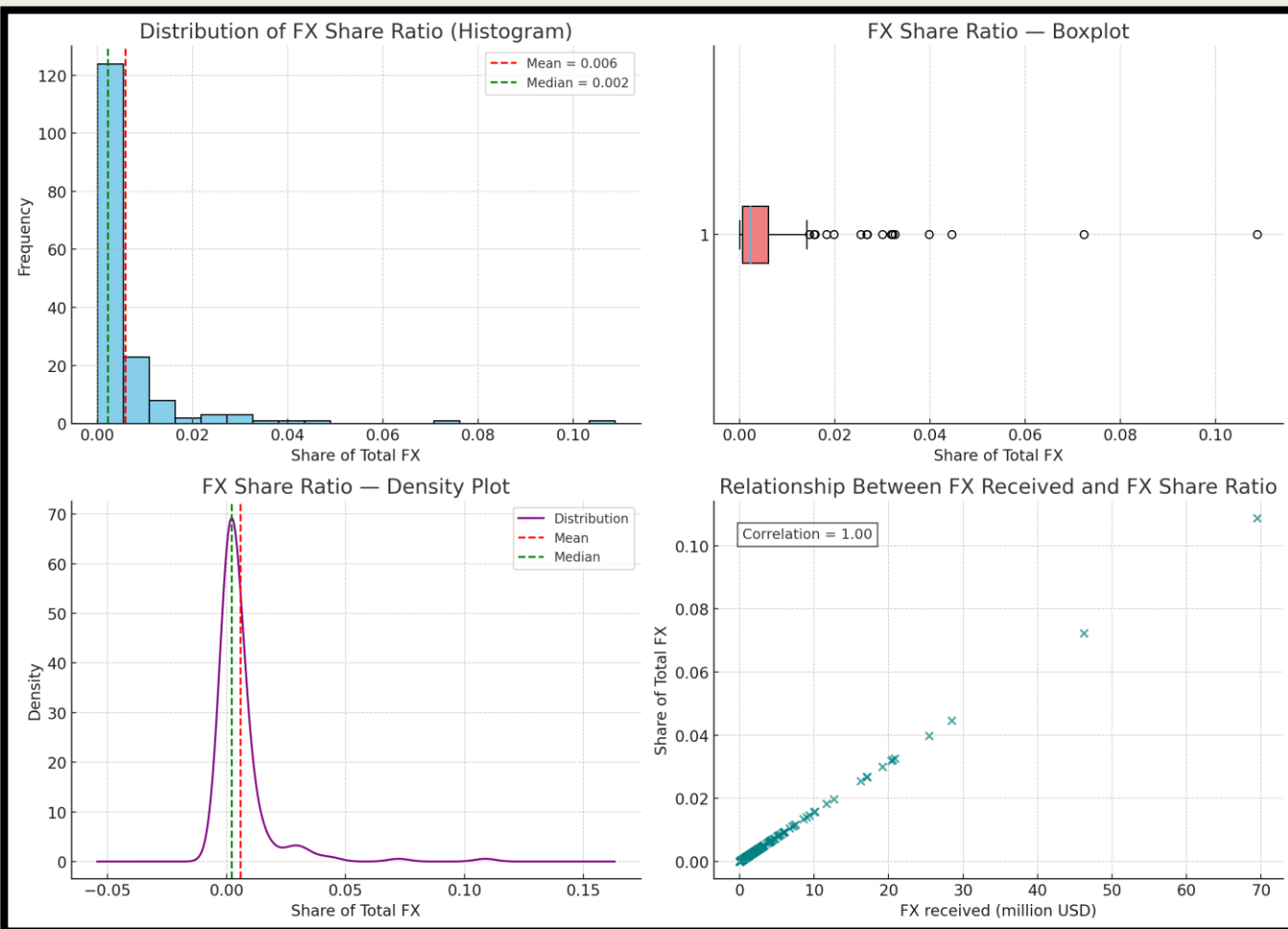
*** سهم هیات امنای صرفه جویی ارزی در معالجه بیماران حدود ۴۳٫۵ میلیون دلار است.**

در نیمه نخست سال ۱۴۰۴، بررسی داده‌های رسمی بانک مرکزی از تخصیص ارز به شرکت‌های دارویی کشور، تصویر روشنی از تمرکز منابع ارزی در میان چند بازیگر اصلی این صنعت به‌دست می‌دهد. در نمودارها آماری توزیع، چگالی، و رفتار تجمعی ارز دریافتی شرکت‌ها نشان داده شده است. همان‌طور که دیده می‌شود، توزیع ارز به‌شدت نامتقارن و راست‌چوله است؛ به این معنا که تعداد کمی از شرکت‌ها سهم بسیار بزرگی از ارز را دریافت کرده‌اند، در حالی که اکثریت شرکت‌ها با مقادیر اندکی مواجه بوده‌اند. میانگین دریافت ارز حدود ۳٫۸ میلیون دلار و میانه تنها ۱٫۴ میلیون دلار است؛ اختلاف قابل‌توجه میان این دو شاخص به‌روشنی گویای وجود شرکت‌هایی است که با دریافت‌های بالا، میانگین را به سمت بالا کشیده‌اند.

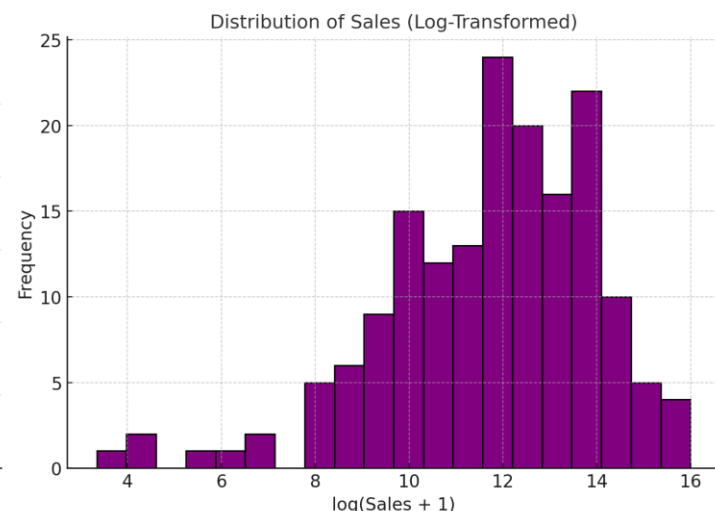
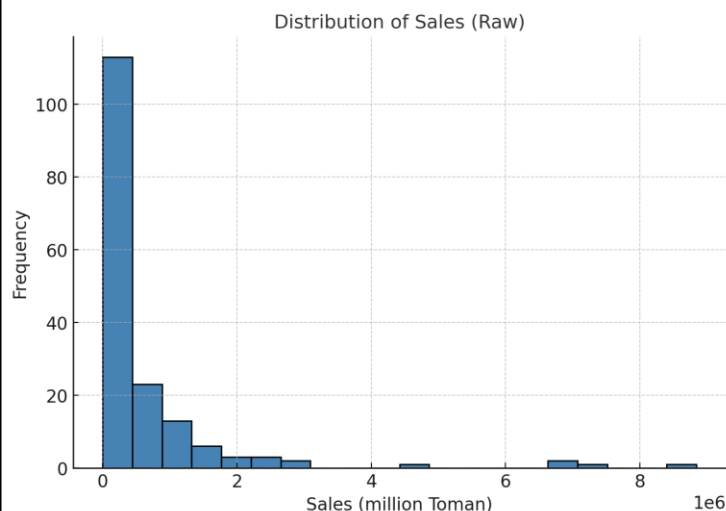
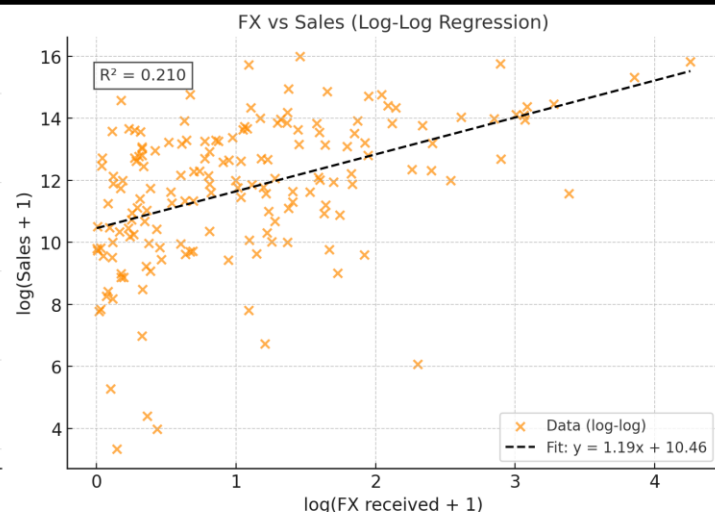
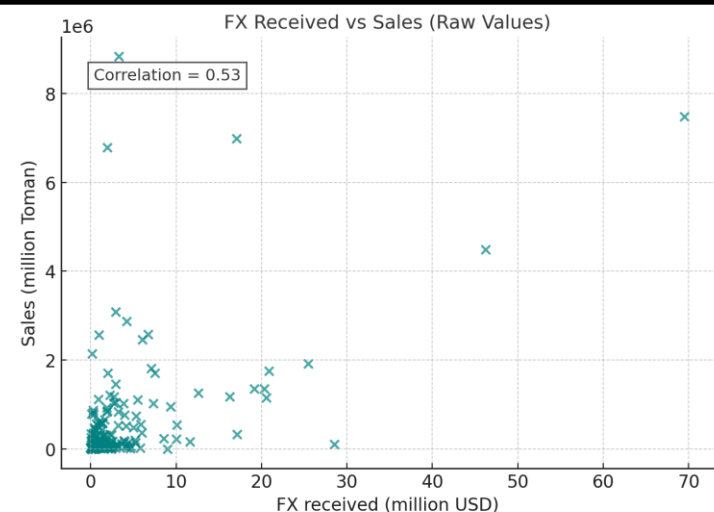
برای نمونه، شرکت‌هایی مانند بهستان دارو، کوپل دارو و مدلینک در صدر فهرست قرار دارند و حجم قابل‌توجهی از منابع ارزی را جذب کرده‌اند. در مقابل، ده‌ها شرکت کوچک‌تر در بخش‌های پایین‌تر توزیع جای گرفته‌اند و مقادیر ناچیزی ارز دریافت کرده‌اند. نمودار باکس‌پلات این اختلاف را به‌خوبی نشان می‌دهد؛ بخش عمده نقاط (نشان‌دهنده شرکت‌ها) در نزدیکی صفر متمرکزند و چند نقطه دورافتاده در سمت راست قرار دارند که همان شرکت‌های بزرگ با دریافت‌های بالای ارزی هستند. نمودار چگالی نیز تأیید می‌کند که توزیع کلی تقریباً بر روی محورهای پایین متمرکز است و تنها دنباله‌ای کشیده تا محدوده بالای ۷۰ میلیون دلار وجود دارد جایی که بهستان دارو در صدر جدول قرار می‌گیرد. در نهایت، نمودار تجمعی نشان می‌دهد که بیش از ۷۵٪ شرکت‌ها کمتر از ۵ میلیون دلار ارز گرفته‌اند، در حالی که کمتر از ۱۰٪ شرکت‌ها بخش عمده کل ارز تخصیص‌یافته را در اختیار دارند.

به‌طور خلاصه، این مجموعه نمودارها به‌روشنی نشان می‌دهد که نظام تخصیص ارز در صنعت دارویی کشور طی شش‌ماهه اول سال ۱۴۰۴، ساختاری بسیار متمرکز و نابرابر دارد؛ جایی که چند شرکت بزرگ نقش کلیدی در جریان ارز ایفا می‌کنند و شرکت‌های کوچک‌تر با سهم اندک، بیشتر در حاشیه این رقابت قرار گرفته‌اند.





به بیان دیگر، میانگین سهم شرکت‌ها از کل ارزش دریافتی تنها ۰,۶٪ است، در حالی که میان‌ه سهم حدود ۰,۲٪ است؛ این اختلاف زیاد میان میانگین و میان‌ه بار دیگر تأکید می‌کند که توزیع سهم‌ها به‌شدت نامتقارن و متمایل به چند شرکت بزرگ است. نمودار هیستوگرام و چگالی نشان می‌دهد اکثر شرکت‌ها سهمی نزدیک به صفر از کل ارزش داشته‌اند، اما تعداد اندکی از آن‌ها در ناحیه راست توزیع با سهم‌های بالا قرار گرفته‌اند. شرکت‌هایی مانند بهستان دارو، کوپل دارو و مدلینک همچنان در رأس جدول هستند و مجموعاً بیش از ۲۰٪ از کل ارزش تخصیص‌یافته را در اختیار دارند، در حالی که بیش از ۷۰٪ شرکت سهمی کمتر از یک درصد دارند. باکس‌پلات این اختلاف را به‌وضوح نمایش می‌دهد؛ میان‌ه بسیار پایین است و مقادیر پرت در محدوده‌های بالای ۱۰ دیده می‌شوند. پراکندگی رابطه میان مقدار ارزش دریافتی و درصد سهم از کل ارزش را به تصویر می‌کشد.



در تحلیل رابطه میان ارزش دریافتی از بانک مرکزی و فروش داخلی شرکت‌های دارویی در شش‌ماهه نخست سال ۱۴۰۴، نمودارهای تحلیلی به‌خوبی ساختار نامتقارن این صنعت را آشکار می‌کنند. در نمای کلی نمودار پراکندگی روندی صعودی میان حجم ارزش تخصیص‌یافته و میزان فروش مشاهده می‌شود، اما این رابطه نه‌تنها خطی نیست بلکه تحت تأثیر چند نقطه شاخص و پرت، از الگوی کلاسیک فاصله دارد.

در بخش راست نمودار، شرکت‌هایی مانند بهستان دارو و کوپل دارو قرار دارند که بخش عمده‌ای از ارزش کل صنعت را جذب کرده‌اند و طبیعتاً فروش بالایی نیز دارند، اما بازده نهایی آن‌ها از منظر نسبت «فروش به ارزش دریافتی» چندان چشمگیر نیست. این شرکت‌ها عمدتاً در زنجیره واردات و توزیع داروهای خارجی فعالیت می‌کنند؛ بنابراین، اثرپذیری مستقیم آن‌ها از سیاست‌های ارزی بسیار بالاست. به‌عبارتی، عملکردشان بیشتر به حجم منابع ارزی تخصیص‌یافته وابسته است تا به کارایی تولید یا ساختار داخلی شرکت.

در نقطه مقابل، در ناحیه بالای نمودار و با فاصله‌ای قابل‌توجه از خوشه اصلی، **سیناژن** قرار دارد شرکتی که با سهم اندکی از ارزش تخصیص‌یافته، موفق شده یکی از بالاترین سطوح فروش را در کل بازار ثبت کند. در نگاه تحلیلی، موقعیت سیناژن در نمودار نماد نقطه کارا و مثبت است؛ یعنی بازیگری که برخلاف جریان عمومی، با منابع ارزی محدود، توانسته ارزش افزوده بالایی ایجاد کند. این موقعیت بیانگر کارایی درون‌زا است؛ یعنی بخشی از فروش این شرکت نه از تزریق منابع خارجی، بلکه از فناوری بومی، توسعه محصولات دانش‌بنیان و دسترسی به بازارهای منطقه‌ای ناشی می‌شود.

در مدل لگاریتمی که رابطه غیرخطی میان متغیرها را هموارتر می‌کند، همچنان همین تمایز دیده می‌شود. شیب رگرسیون مثبت است و نشان می‌دهد افزایش ارزش دریافتی به‌طور میانگین با رشد فروش همراه بوده، اما ضریب تعیین نسبتاً پایین نمودار تأیید می‌کند که تغییرات فروش را نمی‌توان صرفاً با میزان ارزش توضیح داد. در واقع، عوامل ساختاری مانند بهره‌وری تولید، ترکیب سبد محصول، سطح تکنولوژی و شبکه‌توزیع در شکل‌گیری عملکرد شرکت‌ها نقش پررنگ‌تری دارند. نمودارهای هیستوگرام پایین نیز گویای همین نکته‌اند. توزیع فروش به‌شدت راست‌چوله و متمرکز در مقادیر پایین است، اما پس از اعمال تبدیل لگاریتمی، الگو هموارتر و رابطه‌ها قابل مشاهده‌تر می‌شوند. این تفاوت نشان می‌دهد که صنعت دارویی کشور از منظر درآمد، در وضعیتی با شکاف شدید میان چند بازیگر بزرگ و اکثریت متوسط قرار دارد. به‌طور خلاصه، آنچه از این تحلیل و نمودار نهایی برمی‌آید این است که ارزش در اقتصاد دارویی ایران نقش تقویت‌کننده دارد، نه تعیین‌کننده. شرکت‌های بزرگ وارداتی، موتور ثبات تأمین بازار هستند، اما شرکت‌هایی مانند سیناژن با تکیه بر نوآوری و توان تولید داخل، ارزش را به بازدهی واقعی اقتصادی تبدیل می‌کنند. این تمایز دقیقاً همان چیزی است که نمودارها در سطح داده، و بازار در سطح واقعی، به‌وضوح نشان می‌دهند.

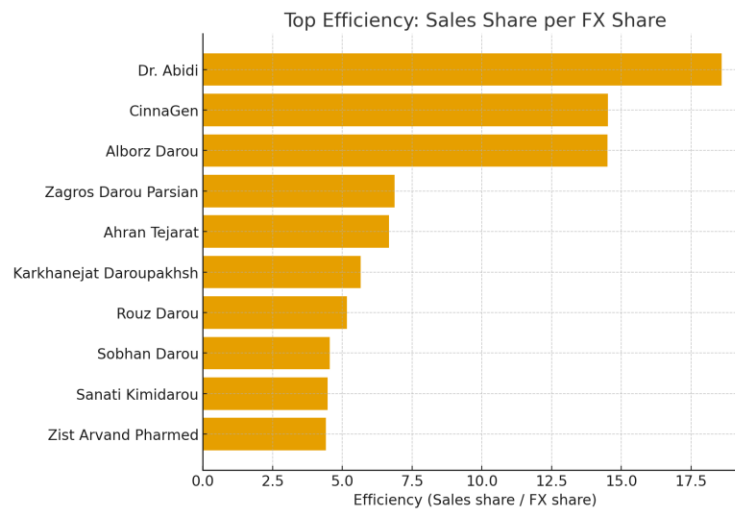
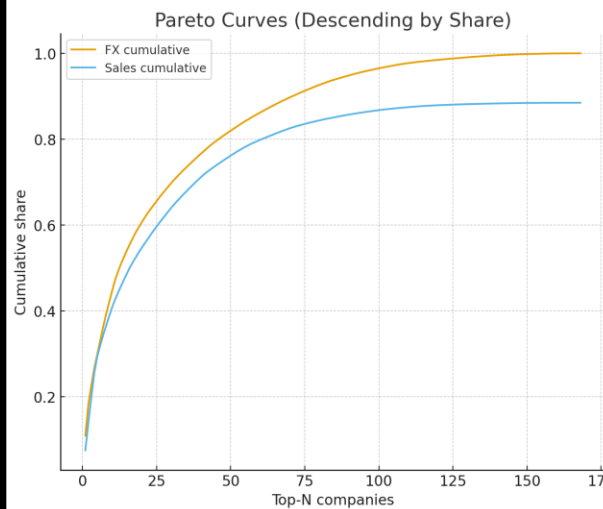
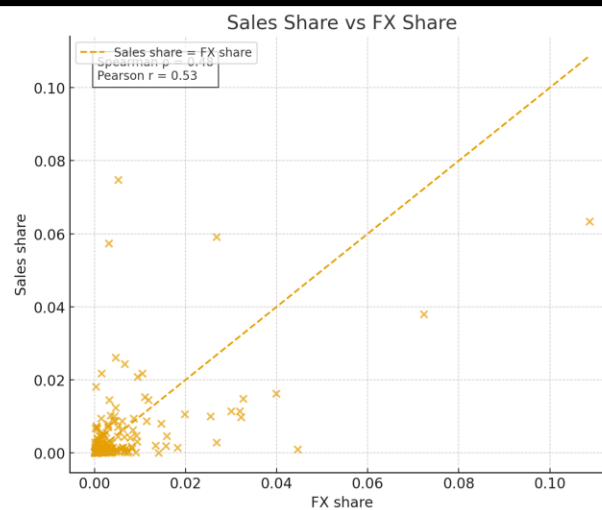
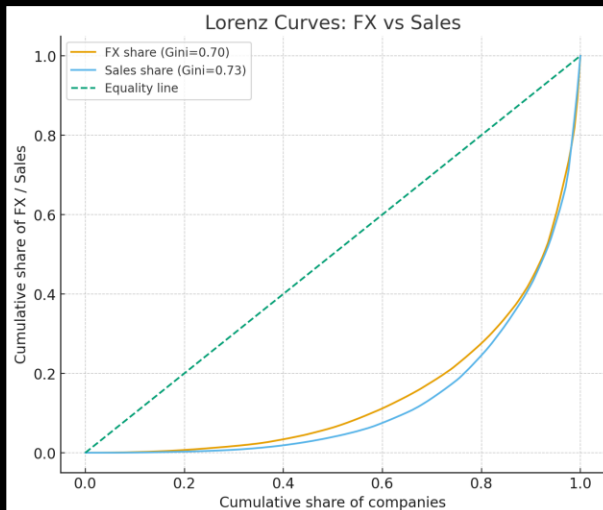
در نگاه شهودی و اقتصادی به دو شاخص سهم از کل ارزش تخصیص یافته و سهم از کل فروش بازار دارویی ایران در شش ماهه نخست ۱۴۰۴، آنچه نمودارها نشان می‌دهند بیش از چند خط داده است.

تصویری از ساختار واقعی صنعت، از تمرکز قدرت ارزی گرفته تا مسیر تبدیل منابع به ارزش اقتصادی. در منحنی‌های تمرکز، هر دو توزیع چه در دریافت ارزش و چه در فروش با فاصله‌ای زیاد از خط برابری حرکت می‌کنند. یعنی بیشتر منابع ارزی و بیشتر فروش در اختیار تعداد محدودی شرکت قرار دارد. اما تفاوت ظریفی میان این دو هست؛ منحنی فروش اندکی هموارتر است، نشانه‌ای از آنکه شرکت‌های بیشتری در فروش سهم دارند تا در دریافت ارزش. به زبان ساده‌تر، پول بین تعداد بیشتری از شرکت‌ها پخش شده، اما ارزش فقط در دستان معدودی متمرکز مانده است.

وقتی نمودار پراکندگی بین این دو شاخص را نگاه کنیم، اغلب نقاط در نزدیکی خط ۴۵ درجه قرار دارند یعنی فروش شرکت تقریباً متناسب با ارزش دریافتی است؛ اما چند نقطه خاص از این الگو بیرون زده‌اند. این نقاط همان شرکت‌های خاصی هستند که یا با ارزش کم فروش بالایی ساخته‌اند (در بالای خط) یا با ارزش زیاد خروجی کمی داشته‌اند (زیر خط).

شرکت‌هایی مانند سیناژن و دکتر عبیدی از دسته اول‌اند؛ در حالی‌که سهمشان از ارزش بسیار محدود است، اما در بازار فروش نقش چندبرابری ایفا می‌کنند. در مقابل، شرکت‌های واردات‌محور مانند بهستان دارو یا کوبل دارو، هرچند از نظر مقیاس بزرگ‌ترند، اما وابستگی بیشتری به منابع ارزی دارند و نسبت فروش به ارزش در آن‌ها پایین‌تر است.

تحلیل‌های ریاضی نشان می‌دهد که تمرکز در هر دو حوزه تقریباً مشابه است (ضریب جینی بالا در هر دو)، اما همبستگی میان سهم فروش و سهم ارزش تنها در حد متوسط است. این یعنی داشتن ارزش الزاماً به معنی داشتن فروش بالا نیست. در واقع، بخشی از بازار فروش توسط شرکت‌هایی اداره می‌شود که اصلاً بازیگر اصلی در جریان تخصیص ارزش نیستند. در نمودار پارتو نیز می‌بینیم که اگر مثلاً ۲۰ شرکت اول را در نظر بگیریم، همین تعداد بیش از سه‌چهارم کل ارزش و فروش را در اختیار دارند. تصویری کلاسیک از یک بازار بسیار متمرکز با دم بلند از بازیگران کوچک‌تر. اما تفاوت در شیب منحنی‌ها جالب است؛ منحنی ارزش تندتر از منحنی فروش است، یعنی تمرکز منابع مالی در مقایسه با تمرکز بازار، شدیدتر است. فهرست شرکت‌های با کارایی بالا در تبدیل ارزش به فروش یک الگوی روشن ارائه می‌دهد؛ شرکت‌های داروساز داخلی و تولیدمحور از سیناژن تا دکتر عبیدی و البرز دارو به‌طور میانگین چند برابر کاراتر از میانگین بازار عمل می‌کنند. در حالی‌که شرکت‌های وابسته به واردات، علی‌رغم دسترسی گسترده‌تر به منابع ارزی، خروجی اقتصادی به نسبت ضعیف‌تری دارند.



این تصویر چهارگانه، چکیده‌ای از مدل ۳۶۰ درجه کارایی و تمرکز صنعت دارویی ایران در نیمه نخست ۱۴۰۴ است؛ مدلی که مثل یک نقشه جامع، رفتار واقعی بازار، وابستگی به منابع ارزی و توزیع قدرت اقتصادی میان شرکت‌ها را هم‌زمان نشان می‌دهد.

در نمودار بالا سمت چپ، شاخص کارایی ارزی نمایش داده شده است؛ یعنی نسبت سهم فروش هر شرکت به سهم ارز دریافتی‌اش از بانک مرکزی. در این نمودار، شرکت‌هایی مانند سیناژن و دکتر عبیدی با فاصله در صدر قرار دارند نشانه‌ای از اینکه توانسته‌اند با منابع ارزی اندک، سهمی بزرگ از بازار داخلی را از آن خود کنند. این همان تصویری است از کارایی واقعی تولید داخلی؛ جایی که هر دلار ارز به چندین واحد فروش تبدیل می‌شود.

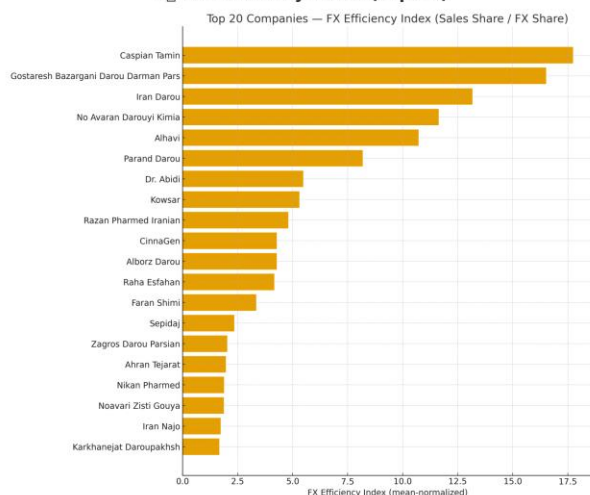
در مقابل، برخی از شرکت‌های وارداتی بزرگ در نیمه پایین نمودار دیده می‌شوند؛ نشان می‌دهد که حجم بالای ارز الزاماً به معنای بهره‌وری بالاتر نیست. در نمودار بالا سمت راست، «منحنی بازدهی نهایی ارز» بر پایه مدل لگاریتمی رسم شده است. شیب این خط که اندکی بیش از ۱ است، نشان می‌دهد که رابطه میان رشد ارزی و رشد فروش مثبت ولی نه خطی است. در واقع، پس از یک نقطه خاص، تزریق بیشتر ارز دیگر با همان نسبت به رشد فروش منجر نمی‌شود همان جایی که اقتصاد به آن بازده نزولی منابع می‌گوید.

با این حال، پراکندگی زیاد نقاط در اطراف خط نشان می‌دهد که عوامل غیرارزی (مثل فناوری، ساختار تولید، و شبکه توزیع) در تبیین عملکرد شرکت‌ها نقش پررنگ‌تری دارند. در نمودار پایین سمت چپ، نقشه هم‌پوشانی ارز و فروش آمده است؛ شاید جذاب‌ترین بخش این مدل. خط مورب ۴۵ درجه، مرز تعادل میان سهم فروش و سهم ارز است.

نقاطی که بالای خط قرار گرفته‌اند، شرکت‌های کارا و تولیدمحورند (مثل سیناژن و عبیدی) که فروششان بیش از سهم ارزی‌شان است؛ در حالی که نقاط پایین خط شرکت‌هایی را نشان می‌دهند که منابع زیادی گرفته‌اند اما خروجی متناسبی نداشته‌اند. اندازه دایره‌ها حجم فروش را نشان می‌دهد؛ پس کافیست به نگاه اول ببینی تا بفهمی چه کسانی بازار را واقعاً می‌چرخانند و چه کسانی با تکیه بر ارز زنده‌اند.

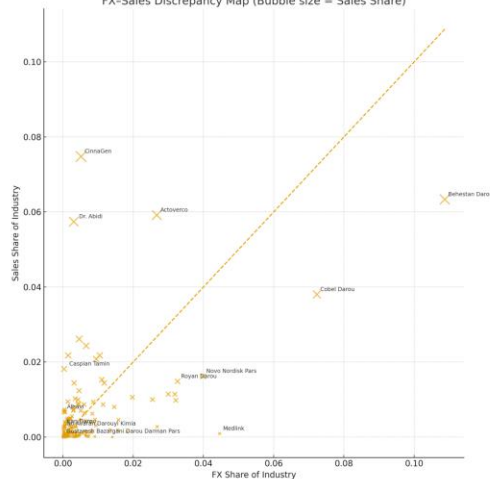
این نمودار به‌نوعی نقشه ژنتیکی بازار دارویی ایران است. نمودار پایین سمت راست، شاخص ترکیبی تمرکز بازار را نشان می‌دهد ترکیبی از سه معیار نابرابری، غلبه چند بازیگر اصلی و ناهم‌پوشانی میان ساختار ارز و فروش. مقدار نهایی شاخص حدود ۰.۳۴ است که به‌روشنی از تمرکز بالای بازار و وابستگی شدید آن به چند شرکت کلیدی حکایت دارد. در عین حال، اختلاف ساختار بین ارز و فروش تأیید می‌کند که شرکت‌هایی که ارز می‌گیرند، الزاماً همان‌هایی نیستند که بیشترین ارزش اقتصادی را می‌آفرینند.

1 FX Efficiency Index (Top 20)



3 FX-Sales Discrepancy Map

FX-Sales Discrepancy Map (Bubble size = Sales Share)

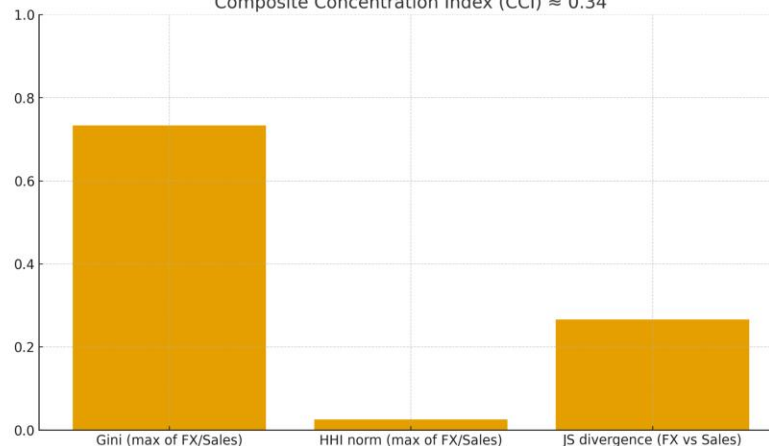


2 Marginal FX Productivity (Log-Log Model)



4 Composite Concentration Index (CCI)

Composite Concentration Index (CCI) ≈ 0.34



Thank you for your attention.
Please visit my **LinkedIn** profile
for more recent reports.



- "Due to the extensive volume of data, some charts may contain errors. Should you encounter any such errors, you are kindly requested to notify the author via Email."
- The dissemination of this document (report) in whole or in part without proper citation is strictly prohibited.

Siavash Eftekhari – October 2025

